



نوید خداوند به اعطای خیر کثیر و نسل جاوید به رسول الله (ص) در سوره کوثر

رسول الله (ص) را بی تبار می خواندند اما خداوند دشمنان را بی تبار خواند، چه خداوند به پیامبر کوثر داده و نسلش را جاودان کرده است.

رسول الله (ص) را بی تبار می خواندند اما خداوند دشمنان را بی تبار خواند، چه خداوند به پیامبر کوثر داده و نسلش را جاودان کرده است.

به گزاری خبرگزاری بین المللی قرآن (ایکنا)، دو تن از فرزندان رسول خدا به نام های ابراهیم و قاسم در سنین بسیار پایین از دنیا رفتند و این باعث شد زبان طعن مخالفان باز شود. مخالفان رسول مصطفی را شماتت کردند و گفتند که او «ابتر» است. ابتر به معنای مقطوع النسل است.

فرزند نبی؛ سلاح طعن کافران
آیات سوره کوثر در همین خصوص نازل شد که خداوند در این آیات می فرماید: «إِنَّا أُعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ* فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ* إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ* ما تو را [چشمه] کوثر دادیم* پس برای پروردگارت نماز گزار و قربانی کن* دشمنت خود بی تبار خواهد بود.» (کوثر/ 1-3)

برای اعراب جاهلی داشتن فرزند پسر نماد تبار پدري بود. در شرایط سخت جزیره العرب این پسر بود که می توانست نمادی از خانواده باشد. تبعیض بین دختر و پسر چنان بود که بعضا دختر باید زنده زنده دفن می شد. در نزد کافران دختر داشتن طعنه آمیز بود و به حساب نمی آمد و رسول خدا نتوانسته بود پسر داشته باشد. اعراب جاهلی در اشعار خود چنین می سرودند که «پسران ما، فرزندانمان فرزندان ما، اما دختران ما؛ فرزندانمان فرزند شوهرانشانند که با ما بیگانه اند.» دشمنان رسول خدا نسل وی را تمام یافته می دیدند و در نظرشان بقا به فرزند فیزیکی بود. محمدباقر بهبودی در مقاله ای با نام میلاد کوثر می نویسد: «شانیء» به معنای دشمن کینه جواست در صورتی که با درشتی و بدزبانی همراه باشد و ابتر به معنای بلانسل است. عاصی ابن وائل از این دشمنان کینه جو بود که پیامبر را مقطوع النسل می خواند. دشمنی که به تبار می نازد و دختر نبی اسلام را تبار نمی شمرد.

کوثر، خیر کثیر، فرزند حضرت پیامبر (ص)
ریشه کوثر کثرت است و به چیزی گفته می شود که مقامش فراوانی باشد از این رو گفته اند که مراد از کوثر خیر کثیر است. در آیه اول خداوند می گوید من به تو خیر کثیری دادم اما مراد از آن معلوم نیست. طبرسی در تفسیر مجمع البیان در معنای کوثر می گوید که گروهی معتقد هستند که مراد فرزند رسول الله (ص) است علامه طباطبایی نیز معتقدند که با توجه به معنای آخرین آیه که دشمن آن حضرت را، ابتر معرفی کرده، مناسب ترین معنا را «کثرت» ذریه پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) ذکر می کند. اگر خیر کثیر هم مراد باشد، یقیناً یکی از مصادیق آن، فراوانی نسل آن حضرت است.
در آیه دوم خداوند به واسطه کوثر که به پیامبر (ص) اعطا کرده است، از وی می خواهد که نماز بگذارد و قربانی کند. حال در این جا سوالی مطرح می شود که آن خیر پر برکت که خداوند به پیامبر داده است چیست که ایشان باید در مقام شکرگذاری نماز بگذارد و قربانی کنند.

امام فخررازی درباره معنای کوثر می نویسد: کوثر هشت معنا دارد که تمام آن معانی درباره حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا (سلام الله علیها) صدق می کند. آنگاه خودش می گوید: چگونه، فاطمه کوثر نباشد که چون علی بن الحسین و محمد بن علی باقر العلوم و صادق المصدق، میوه و ثمره دارد.

محمدباقر بهبودی این سوره را چنین ترجمه کرده است. به یقین ما نسلی پر بار و پرثمر چون چشمه آب کوثر عطایت کردیم، پس به شکرانه میلاد این دختر پروردگارت را سجده کن و نماز شکر بخوان و یک شتر قربانی هم عقیقه کن بی شک تو بلاعقب (مقطوع النسل) نخواهی بود. بلکه آن بدخواه شماتت گرت لاعقب خواهد ماند. تاریخ گواهی می دهد که عاصی ابن وائل که پیامبر را ابتر می خواند، خود ابتر و مقطوع النسل شد.

اُثمه (ع)؛ خیر کثیر

تاریخ گواهی می دهد که پس از پیامبر امامان معصوم (ع) همواره ادامه دهنده راه پیامبر بودند، چشمه جوشانی که تا کنون ادامه دارد و هرچند در پشت ابر غیبت کبری بر تداوم خیر ادامه می دهد. اهل بیت (ع) مانند مادر گرمی شان همواره در معرض ظلم و جور حکومت های جور بودند و این به خاطر کنش سیاسی معصومین (ع) در مقابل وضع نامطلوب موجود بود. خداوند نه ایشان که وضع مقابل اهل بیت (ع) را نیز ابتر خطاب کرد. در واقعیت تاریخی، همه حکومت های ظلم و جور از گردونه روزگار نابود شدند، نه بنی امیه و نه بنی عباس نتوانستند نسل خود را تداوم دهند، اما پیامبر (ص) که صاحب کوثر و ذریه مبارک

معصومی بود، به حول خداوند پایدار ماند.